

Resources and Characteristics of Shiite Biography in the Sixth Century¹

Seyyed Mohammad Al-Hoseyni^{*} Seyyed Asghar Mahmud Abadi^{}**

Mansur Dadashnejad^{*} Keywan Loloie^{****}**

(Received on: 2020-03-05; Accepted on: 2020-05-07)

Abstract

Shiites, like Sunnis, have been interested in writing the biography of the Prophet of Islam (S) and have written works in this field. In the historical course of this style of writing, the sixth century AH is the period of growth and emergence of the characteristics of Shiite biography. Writing the Prophet's biography was an opportunity for the Shiites to show and confirm the beliefs and ideas of their religion, as well as the status and legitimacy of the Imams and the Ahl al-Bayt, the same opportunity that the biography of the Holy Prophet of Islam (S) provided for the Sunnis to protect the two sheikhs. After the efforts of the Shiites to write the Prophet's biography in the first five centuries AH, the priorities of Shiite authors changed from the fifth and sixth centuries onwards, and often turned from writing about the Prophet (S) to doing research on the life of the twelve Imams. During this period, the Shiites abandoned the exclusive writing about the biography of the Prophet (S) and wrote mostly works that, in addition to the life of the Messenger of God, included the biography and life of the thirteen other infallibles.

Keywords: The Prophet's Biography, Shiites, History of Ahl al-Bayt, Imam Ali (AS).

1. This article is taken from: Seyyed Mohammad Al-Hoseyni, "A Study and Analysis of the Position of Supervision in the Life of the Holy Prophet (S) and the Imams (AS) (with Emphasis on the Collection of Their Managers, Brokers and Representatives)", 2020, PhD Thesis, Supervisor: Seyyed Asghar Mahmud Abadi, Faculty of Humanities, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran.

^{*} PhD Student in History, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran, alhoseyni1351@gmail.com.

^{**} Professor, Department of History, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran and University Isfahan (Corresponding Author), mahmoodabadi@ltr.ui.ac.ir.

^{***} Associate Professor, Department of History, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran, Research Institute of Hawzah and University Qom, mdadash@rihu.ac.ir.

^{****} Assistant Professor, Department of History, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran, k.loloie@gmail.com.

منابع و ویژگی‌های سیره‌نگاری شیعیان در قرن ششم^۱

* سید محمد الحسینی

*** سید اصغر محمودآبادی ** منصور داداش‌نژاد *** کیوان لؤلویی

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۳]

چکیده

شیعیان نیز مانند اهل سنت به نوشتن سیره پیامبر اسلام ﷺ علاقه‌مند بوده‌اند و آثاری در این زمینه نگاشته‌اند. در سیر تاریخی این سبک تألیفی، قرن ششم هجری دوران رشد و نمایان شدن شاخصه‌های سیره‌نویسی شیعیان است. نگارش سیره نبوی برای شیعیان فرصتی بود تا باور و اندیشه‌های مذهب خود و نیز جایگاه و حقانیت ائمه و اهل بیت را نمایان و تأیید کنند، همان مجالی که نگاشتن سیره نبی مکرم اسلام ﷺ برای اهل سنت به منظور پاس‌داشت شیخین فراهم آورده بود. بعد از کوشش‌های شیعیان برای نوشتن سیره نبوی در پنج قرن نخست هجری، اولویت‌های نویسندگان شیعه از قرن پنجم و ششم به بعد، تغییر کرد و اغلب، از نگارش درباره پیامبر به پژوهش‌هایی درباره زندگی دوازده امام معطوف شد. در این دوران، شیعیان نگارش اختصاصی درباره سیره پیامبر را رها کردند و بیشتر آثاری نگاشتند که علاوه بر زندگی رسول خدا شامل سیره و زندگی سیزده معصوم دیگر نیز بود.

کلیدواژه‌ها: سیره نبوی، شیعیان، تاریخ اهل بیت، امام علی (علیه السلام).

۱. برگرفته از: سید محمد الحسینی، بررسی و تحلیل جایگاه نظارت در سیره پیامبر اکرم و ائمه معصومین (با تأکید بر مجموعه مدیران، کارگزاران و وکلای خویش)، رساله دکتری، استاد راهنما: سید اصغر محمودآبادی، دانشکده علوم انسانی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران، ۱۳۹۸.

* دانشجوی دکتری تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران alhooseyni1351@gmail.com
** استاد گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران و دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

mahmoodabadi@ltr.ui.ac.ir

*** دانشیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم،

mdadash@rihu.ac.ir

*** استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران k.loloie@gmail.com

مقدمه

در طول قرن‌ها نوشتن سیره پیامبر اعظم ﷺ از موضوعاتی بوده که نویسندگان و پژوهشگران شیعه به آن علاقه داشته‌اند و اصحاب ائمه کتاب‌هایی با این موضوع و مشتمل بر دیدگاه‌های اهل بیت علیهم‌السلام تألیف کرده‌اند. در سه قرن اول هجری، این گروه از مسلمانان برخلاف اهل سنت، در نگارش آثار خود درباره سیره پیامبر اسلام ﷺ به نقش و موقعیت حضرت علی علیه‌السلام توجه مبسوط کرده‌اند و تألیفاتشان را با این دیدگاه نگاشته‌اند (جمعی از محققان، بی‌تا). در قرن چهارم و پس از آن، شیعیان سیره و تاریخ زندگی پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام را در یک راستا دیدند و کوشیدند در نوشته‌های خود، این دو موضوع را در قالب یک مجموعه گرد آورند. بنابراین، شیعیان با تغییر روش در سیره‌نگاری، تألیفات مستقلی درباره پیامبر ﷺ پدید نیاوردند.

۱. پیشینه بحث

در باب سهم و نقش شیعیان در سیره‌نویسی پژوهش‌های در خور توجهی انجام شده است. این آثار را می‌توان در گونه‌های زیر دسته‌بندی کرد:

الف. خاستگاه و ریشه سیره‌نگاری شیعیان

برخی مقالات موضوع ریشه‌ها و پیش‌گامی شیعیان در سیره‌نویسی را بررسی کرده‌اند، از جمله:

۱. مقاله «اصحاب امامان شیعه و سیره‌نگاری»، نوشته حسین حسینیان مقدم، اصغر منتظر القائم، و محمدعلی چلونگر (۱۳۹۲)؛ مؤلفان در این پژوهش آثار و روایات به‌جای‌مانده از هفت تن^۱ از اصحاب ائمه علیهم‌السلام را بررسی کرده و کوشیده‌اند ریشه و زمینه و رویکردهای سیره‌نگاری شیعیان را بازنمایی کنند. این موضوع را همین نویسنده (حسین حسینیان مقدم) در کتاب *تطورشناسی سیره‌نگاری، با تکیه بر نقش اصحاب امامان*، به تفصیل بررسی کرده است.

این مقاله عراق را خاستگاه سیره‌نویسی اصحاب ائمه علیهم‌السلام معرفی کرده و تلاش این نویسندگان را در جهت شکستن انحصار سیره‌نگاری متمایل به شیخین در مدینه دانسته است. به باور مؤلفان، توجه این گروه به سیره‌نگاری و تتبع در چنین منبعی تلاشی بود

برای تأیید باورها و اندیشه‌های کلامی، به‌ویژه آنچه مربوط به موقعیت و منزلت اهل بیت است. از این‌رو نتیجه می‌گیرند که سیره‌نگاری این طیف رویکرد کلامی شیعی دارد و با هدف نشان‌دادن حقانیت اهل بیت پیگیری شده است.

به نظر نویسندگان مقاله مذکور، اتهاماتی مانند ناآگاهی ایشان از موضوع سیره را، که مؤلفان مدینه به ایشان وارد می‌کردند، می‌توان از همین زاویه تحلیل کرد. همچنین، توسعه سیره‌نگاری و توجه به ریزموضوعات مانند نوشتن در باب نام ابزارهای رسول خدا، بیانگر پیش‌گامی شیعیان در این نوع موضوعات مرتبط با سیره است. شیعیان دو گرایش و جریان فکری در نگارش سیره داشته‌اند: ۱. گرایش تاریخی، که در آن مورخانی حرفه‌ای، مانند ابومخنف، فعال بودند؛ ۲. گرایش حدیثی‌فقهی، که نویسندگانی همچون ابان بن تغلب پیگیری می‌کردند. گروه اول در پی برجسته‌سازی دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام نبودند و پیرو جریان مدینه قلمداد می‌شوند، اما هدف اصلی گروه دوم تبیین دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام در سیره نبوی بود. خود گروه دوم دو ریزجریان داشته است؛ جریانی که رواداری با اهل سنت را پذیرفتند و جریان دوم تبرّاجویان از اهل سنت که در نگارش سیره، بدی‌های شیخین را نیز یاد کرده‌اند. همچنین، شیعیان با تأخیر وارد نگارش سیره نبوی شده‌اند و سیره‌نویسی ایشان ناظر به سیره‌نویسی اهل سنت بوده است.

۲. مقاله «شیعه پیش‌گام در سیره‌نگاری»، نوشته محمدرضا هدایت‌پناه (۱۳۹۲)؛ این پژوهش در صدد بیان پیش‌گامی جابر بن عبدالله انصاری (متوفای ۷۸ ه.ق.) در سیره‌گویی و سیره‌نویسی است و پیش‌گامی افرادی مانند عروة بن زبیر و موسی بن عقبه را، که گرایش‌های سنی دارند، نپذیرفته و جابر را مقدم بر ایشان، و روایات برجای‌مانده از وی را متقن‌تر و اصیل معرفی می‌کند.

۳. مقاله «یونس بن بکیر از پیش‌گامان شیعه در سیره‌نگاری»، نوشته حسین مرادی‌نسب (۱۳۹۴). در این نوشتار ضمن بررسی جایگاه علمی یونس بن بکیر (متوفای ۱۹۹ ه.ق.)، تلاش شده است قرائن و شواهد تمایل وی به شیعه گردآوری شود. به عقیده مرادی‌نسب، روایت یونس بن بکیر از ابن اسحاق در بردارنده باورهای شیعی است و متهم‌شدنش به تشیع علت رواج‌نیافتن روایت‌های او است.

۴. مقاله «سیره اهل الکساء: نخستین منابع شیعی درباره زندگی‌نامه پیامبر» نوشته ماهر جرار (۱۳۸۵). این پژوهش به دنبال علت باقی‌نماندن آثار و مکتوبات سیره‌نویسی شیعیان

از قرن پنجم به بعد و نیز تمایل نداشتن امامی‌مذهبان به نگارش سیره نبوی است. نویسنده مقاله با بررسی نخستین کتاب‌های سیره شیعی، از جمله کتاب ابان بن عثمان احمر و مغازی علی بن ابراهیم قمی، نتیجه گرفته است که گفتمان شیعی در باب سیره‌نگاری پس از عصر غیبت تغییر یافته و در این آثار امام به مثابه منبع قلمداد شده است. جرار معتقد است با توجه به امام‌شناسی خاص شیعه، جایی برای مشروعیت یا نجات‌شناسی در حوادث سیره نبوی باقی نمی‌ماند، زیرا امام زنده دارای نور هدایت است و رستگاری را عرضه می‌کند؛ از این رو هدایت و هویت را باید در زندگی این امامان نمونه جست‌وجو کرد.^۲

۵. مقاله «دوره‌های سیره‌نگاری نبوی در حوزه‌های شیعی»، نوشته علی‌اکبر ذاکری (۱۳۸۶). در این مقاله، نویسنده به فعالیت‌های علمی حوزه‌های علمیه شیعه در باب سیره نبوی پرداخته و این فعالیت‌ها را در چهار دوره تنظیم و گزارش کرده است: ۱. عصر حضور ائمه با تأکید بر نقش امامان (علیهم‌السلام) و یاران ایشان در نقل سیره نبوی؛ در این بخش، از نوشته‌های ابن اسحاق، ابومخنف، هشام کلبی و ابان بن عثمان احمر یاد کرده و از هر یک گزارشی داده است؛ ۲. عصر غیبت تا قرن ششم؛ نویسنده در این بخش، با تکیه بر کتاب *رجال نجاشی* آثار تألیفی شیعیان در زمینه سیره پیامبر را برشمرده که بیشتر آنها مفقود است. سپس آثار به‌جای‌مانده مانند *تاریخ یعقوبی* را بررسی کرده است؛ ۳. از قرن ششم تا قرن حاضر؛ در این قسمت، نویسنده این کتاب‌ها را بررسی کرده است: *اعلام الوری*، مناقب ابن شهر آشوب، بخش سیره در کتاب *بحار الانوار*، جلد اول از کتاب *ریاض الابرار* نوشته سید نعمت‌الله جزائری (متوفای ۱۱۱۲ ه.ق.) و آثار شیخ عباس قمی (متوفای ۱۳۵۹ ه.ق.) مانند *الانوار البهیة*، *منتهی الامال* و *کحل البصر*؛ ۴. عصر حاضر، که نویسنده در آن به فعالیت‌های سیره‌ای جعفر مرتضی‌عاملی و سید مرتضی‌عسکری اشاره کرده است.

ب. تألیفات مربوط به تاریخ‌نگاری امامیه

از آنجا که «سیره‌نگاری» ذیل «تاریخ‌نگاری» تعریف می‌شود، بعضی از کتاب‌ها و مقالات با موضوع تاریخ‌نگاری شیعیان بخشی از مباحث خود را نیز به سیره‌نگاری اختصاص داده‌اند، از جمله:

۱. کتاب *تاریخ‌نگاران امامیه و روش‌ها و گونه‌های تاریخ‌نگاری آنها؛ از قرن اول تا قرن هفتم هجری قمری*، نوشته منصوره بخشی.

در این کتاب، نویسنده علاوه بر یادکرد از تاریخ‌نگاران امامی‌مذهب در هفت قرن اول هجری، به شرح حال و آثار ایشان پرداخته و از روش‌ها و گونه‌های تاریخ‌نویسی امامیان یاد کرده است. به اعتقاد وی، سیره و مغازی‌نویسی از جمله گونه‌های نگارشی امامیان است. لذا در این کتاب، عنوانی به آن اختصاص داده است. بر اساس نمودارهای ترسیم‌شده در کتاب، بیشترین نگارش‌های امامیان در باب سیره و تاریخ پیامبر خدا ﷺ در قرن چهارم بوده، و پس از آن، نگارش در موضوع سیره و تاریخ رسول خدا افول کرده است. بنا بر گزارش این اثر، سهم سیره پیامبر ﷺ کمتر از دیگر موضوعات تألیف‌شده در هفت قرن ابتدای اسلام است.

۲. مقاله «تاریخ‌نگاری شیعه در کتاب *رجال نجاشی*»، نوشته نرگس مجیدی‌نسب (۱۳۸۷). این مقاله بررسی سهم شیعیان و نشان‌دادن فعالیت‌های تاریخ‌نگاری آنان را، که تألیف مغازی و سیره بخشی از آن است، بر اساس کتاب *رجال نجاشی*، هدف قرار داده است.

۳. کتاب *منابع تاریخ اسلام* نوشته رسول جعفریان؛ نویسنده تحت عنوان «شیعیان و تاریخ‌نگاری»، به اختصار سیره‌نگاری شیعیان را بررسی کرده و معتقد است سهم شیعیان در تدوین سیره نبوی گسترده نیست و دلیل آن را توافق شیعیان و اهل سنت در کلیات سیره پیامبر ﷺ می‌داند. جعفریان اختصاصات شیعیان در سیره‌نویسی را مربوط به موضوعاتی همچون عصمت می‌داند که از حساسیت‌های مذهبی شیعه بوده است (جعفریان، ۱۳۹۳: ۳۵۷-۴۲۳).

ج. نگارش‌ها در باب منابع غیرمستقل سیره نبوی

موضوع تعدادی از مقالات، بررسی و تحلیل بخش‌های مربوط به سیره نبوی در کتاب‌های نویسندگان شیعی است که مستقلاً اثری درباره سیره به شمار نمی‌روند، از جمله:

۱. مقاله «سیره‌نگاری در کتاب *الخراج والخراج*»، نوشته فرزانه حکیم‌زاده (۱۳۹۴). هدف نویسنده در این پژوهش، بررسی روش و رویکرد قطب راوندی در نگارش سیره نبوی است. حکیم‌زاده بر اختلاط کلام و تاریخ در کتاب *الخراج والخراج* تأکید کرده

است. بخش دیگر نوشتار به مقایسه بخش سیره نبوی کتاب *اعلام الوری* تألیف طبرسی و *الخراج والخراج* اختصاص دارد.

۲. مقاله «بررسی سیره نبوی در کتاب *مناقب آل ابی طالب* ابن شهر آشوب»، نوشته صدیقه شاکری حسین‌آباد (۱۳۹۴). این پژوهش روش سیره‌نویسی ابن شهر آشوب را بر اساس بخش تاریخ و سیره رسول خدا در کتاب *المناقب* می‌کاود. نویسنده معتقد است هدف اصلی از نگارش کتاب *مناقب اثبات حقانیت علی* علیه السلام و فرزندان ایشان بوده و بخش سیره پیامبر صلی الله علیه و آله به منظور تیمن و تبرک و برای رفع اتهام از شیعیان در خصوص بی‌توجهی به سیره نبوی تدوین شده است.

۳. مقاله «روش سیره‌نویسی اربلی در *کشف الغمّة*»، نوشته رؤیا باقری (۱۳۹۴). در این مقاله بخش‌های مرتبط با تاریخ حیات رسول خدا در کتاب *کشف الغمّة فی معرفة الائمة* نوشته ابوالحسن علی بن عیسی هکّاری، معروف به بهاء‌الدین اربلی (متوفای ۶۹۲ ه.ق.)، بررسی شده است.

۴. مقاله «سیره نبوی در بحار الانوار»، نوشته حسن حسین‌زاده شانه‌چی (۱۳۸۱). در این پژوهش، بخش‌های مربوط به سیره نبوی از کتاب *بحار الانوار* بررسی شده است. به گفته نویسنده مقاله، مجلسی مجموعه‌ای از ۲۶۵۵ روایت و خبر در باب سیره نبوی را گرد آورده است. هدف اصلی مجلسی از این اقدام گردآوری و تنظیم مجدد آثار شیعی در زمینه تاریخ پیامبر بوده است. بنابراین، به منابع اهل سنت، مگر به‌ندرت و در موضوعات خاصی و با هدفی مشخص، مراجعه نکرده است.

۲. قلمرو پژوهش

این پژوهش در صدد بررسی فعالیت‌های شیعیان در زمینه سیره‌نویسی در قرن ششم هجری است. سیره‌نویسی به معنای همه مکتوباتی است که تمام یا بخشی از آن به تاریخ و زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص یافته است. از این‌رو نوشته‌هایی که حتی بخشی از آنها درباره سیره پیامبر اسلام است و بررسی آن می‌تواند به سیر تحول سیره‌نگاری شیعیان کمک کند، در قلمرو موضوع مقاله خواهد بود.

۲. ۱. شاخصه‌های سیره‌نویسی در قرن ششم

قرن ششم را باید دوران شکوفایی کتب سیره‌شناسی دانست. در این دوره، سیره‌نویسی روشی جدید یافت و در کنار ذکر سیره نبوی ﷺ، سیره ائمه علیهم‌السلام و حضرت زهرا علیها‌السلام نیز به نگارش درآمد. برخی از مؤلفه‌ها را می‌توان از خصوصیات بارز این دوره سیره‌نگاری برشمرد:

۱. ذکر سیره نبوی و ائمه علیهم‌السلام به شکلی واحد و بیان اهداف مشترک برای ایشان؛ در این دوران سیره نبوی در ابتدای مباحث سیره‌نویسی و به منظور بیان پیوند ناگسستنی روش و منش اهل بیت علیهم‌السلام با روش و سیره پیامبر اسلام ﷺ ذکر می‌شد و از نظر اعتقادی نیز خود مشروعیتی بر روش ائمه اطهار علیهم‌السلام بود؛

۲. برخی هدف از بیان سیره نبوی را مخالفت با دیگر اعتقادات مخالف و مقابل سیره اهل بیت بیان کرده‌اند؛

۳. سیره‌نویسی بدون ذکر منابع و اسناد از دیگر ویژگی‌های این دوران است. حجیت این نوع نگارش‌ها به دلیل وجود منابع و اسناد در کتب پیشین و مشهور، و اجماعی بودن سیره نبوی بوده است؛

۴. این نوع سیره‌نویسی برای مخاطب عام نگارش شده است؛

۵. از دیگر خصوصیات مختص به سیره‌نویسی این دوره، مقایسه پیامبر اسلام و سایر انبیا است که به نوعی به دنبال اثبات برتری ایشان و نشان‌دادن شأن و منزلت سایر ائمه نسبت به دیگران است.

۲. ۲. آثار سیره‌نویسان شیعه در قرن ششم هجری

آثار مذکور در این بخش، سیره پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام را با هم بیان کرده است.

۲. ۲. ۱. *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین* اثر محمد بن حسن فتال نیشابوری

محمد بن حسن فتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ ه.ق.)، از شاگردان سید مرتضی و شیخ طوسی است. شاگرد وی، ابن شهر آشوب، کتاب *روضه الواعظین* را روایت کرده است.

یکی از اهداف این کتاب جمع‌آوری جامعی از موضوعات زهد، تقوا و حکمت بوده و پس از سیره پیامبر و اهل بیت به آن پرداخته شده است. مباحثی از فروع دین و اخلاقیات نیز در این کتاب وجود دارد. آغاز این کتاب با مباحث عقل، توحید و شناخت خدا آغاز شده و با توجه به اینکه مطالب کتاب در قالب مجالس بیان شده، سه مجلس به بیان سیره پیامبر پرداخته است. کل کتاب شامل ۹۷ مجلس است و از این میان ۳۲ مجلس با موضوع سیره پیامبر به اختصار و بدون ذکر مغازی و سیره اهل بیت نگاشته شده است. خصوصیت ویژه این کتاب معرفی پیامبر از دیدگاه قرآن است که می‌توان آن را نویسنده آن دانست. در ادامه نیز از بعثت و اخبار تاریخی آن و نیز معجزات و کرامات ایشان سخن به میان آمده است. در مجلس پنجم، تولد پیامبر با تفصیلات و امور غیرطبیعی همراه با آن گزارش شده و در مجلس بعدی رحلت پیامبر را بیان کرده است. مجالس بعدی شرح زندگی و سیره اهل بیت است.

۲.۲.۱. خصوصیات سیره‌نویسی روضة الواعظین و بصیرة المتعظین

۱. ذکر گزارش‌های مطابق با دیدگاه رایج شیعه و بی‌توجهی به دیدگاه اهل سنت؛
۲. اسناد روایات کاملاً حذف شده است؛ نویسنده قائل است روایات مشهور و شایع نیازمند بیان سند نیستند؛
۳. نویسنده متن را به سبک نگارشی خاص خود نوشته و با وجود استفاده از روایات متن جدیدی به وجود آورده است؛
۴. هدف ابن‌فتال به وجود آوردن کتابی بر مبنای سیره به صورتی کاربردی و برای آموزش و اصلاح جامعه است؛
۵. بیان سیره نبوی در این کتاب مطابق توثیق است، و روش معرفی اهل بیت و ذکر سیره مطابق گزارش‌های مستند؛
۶. تأکید بر امور خارق‌العاده در زندگی پیامبر و نشان‌دادن عظمت پیامبر به عنوان الگویی اجتماعی؛
۷. جایگاه امام علی (علیه السلام) در این کتاب بسیار برجسته و در حوادث مهمی چون بعثت و معراج در کنار پیامبر ذکر شده است (ابن‌فتال نیشابوری، ۱۳۸۱: ۱۴۱/۱، ۱۵۱).
۸. فصل مستقلی نقش ابوطالب و همسر وی و ایمان ایشان را بیان کرده است.

۲.۲.۲. اعلام‌الوری باعلام‌الهدی اثر طبرسی

ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (متوفای ۵۴۸ ه.ق.) نویسنده تفسیر مجمع‌البیان و کتاب اعلام‌الوری؛ این کتاب با موضوع تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان شیعه علیهم‌السلام نوشته شده است. گرچه این کتاب در ایران عصر کثرت اهل سنت نگاشته شده و روش سیره‌نویسان شیعه بیان تاریخ ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده، بخش مفصلی را به ذکر سیره پیامبر اختصاص داده است که می‌توان گفت حتی از بخش مربوط به حضرت علی علیه‌السلام نیز بیشتر است. این کتاب در چهار بخش نگاشته شده است:

۱. زندگی رسول‌الله صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها‌السلام؛ ۲. امام علی علیه‌السلام؛ ۳. امام حسن مجتبی علیه‌السلام تا امام حسن عسکری علیه‌السلام؛ ۴. امامت ائمه علیهم‌السلام و امام دوازدهم علیه‌السلام.

اعلام‌الوری بدون ذکر منابع و به منظور تدوین منبعی در موضوع تاریخ و سیره اهل بیت نگاشته شده است. منابع گزارش‌ها در اولویت نویسنده نیست و بسیاری از آنها به صورت کامل ذکر نشده است. طبرسی، هم از روایات اهل سنت و هم از روایات شیعه در کتاب خود استفاده کرده و به منابع بسیاری ارجاع داده است؛ اما منابع مستقیم چندان نیست و بیشتر منابع، غیرمستقیم و واسطه‌ای هستند. سه منبع اصلی طبرسی عبارت است از:

۱. دلائل‌النبوة، تألیف ابوبکر بیهقی از دانشمندان اهل سنت؛ طبرسی بیشترین بهره در زمینه سیره نبوی را از این کتاب برده و در نه جا به این کتاب ارجاع داده است (طبرسی، ۱۴۱۷: ۴۹/۱، ۶۵، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۶، ۲۴۵). مطالب دیگری را نیز با واسطه بیهقی گزارش کرده است، از جمله مطالبی که با سند ابوعبدالله حافظ نقل کرده، همان اسناد ابوبکر بیهقی است (همان: ۵۰، ۹۳، ۹۴، ۱۰۵، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۵۷).

منابع غیرمستقیمی که طبرسی از طریق دلائل‌النبوة استفاده کرده است عبارت‌اند از: صحیح بخاری (همان: ۴۹/۱، ۸۴، ۹۰، ۱۸۹)، سیره ابن‌اسحاق (همان: ۵۲/۱، ۶۸، ۷۸) و مطالبی از واقدی (همان: ۱۳۲/۱، ۱۷۵، ۲۳۴)، موسی بن عقبه (همان: ۲۳۲/۱) و ابن‌منده (همان: ۱۳۲/۱).

۲. کتاب علی بن ابراهیم بن هاشم قمی از دانشمندان قرن سوم؛ طبرسی مطالب در خور توجهی را از وی و احتمالاً از کتاب مغازی‌اش نقل کرده است. وی نامی از کتاب نبرده، ولی با ذکر نام مؤلف، مطالبی را نقل کرده است (همان: ۵۸/۱، ۲۹۶؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲۲/۱، ۳۷۳).

۳. کتاب ابان بن عثمان احمر از دانشمندان شیعه قرن دوم و از اصحاب امام کاظم علیه السلام؛ از منابع مستقیمی که طبرسی استفاده کرده کتاب ابان است که در ۱۶ جا از آن گزارش‌هایی آورده است.

طبرسی از منابع دیگری نیز مستقیماً بهره برده است، از جمله: شرف المصطفی اثر خرگوشی (طبرسی، ۱۴۱۷: ۵۶/۱، ۸۸، ۲۹۰) و /ارشاد شیخ مفید. طبرسی اگرچه از این اثر استفاده کرده، از آن یاد نکرده است؛ ولی با توجه به مشابهت عبارات و متون می‌توان به بهره‌مندی وی از این کتاب پی برد (همان: ۱۷۰/۱، ۲۷۱).

اعلام الوری از منابعی استفاده کرده که امروزه از منابع مفقود محسوب می‌شوند. این ویژگی اهمیت اثر را دوچندان می‌کند. گزارش‌های طبرسی از آثار مفقودشده‌ای مانند کتاب علی بن ابراهیم قمی و کتاب ابان بن عثمان احمر، همچنین ذکر نسخه یگانه و بی‌نظیر پیمان‌نامه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با سه گروه از یهودیان که در کتاب‌ها و نسخه‌های پیشین سیره وجود نداشته، از ویژگی‌های خاص این کتاب است.

۲.۲.۱. خصوصیات سیره‌نویسی اعلام الوری باعلام الهدی

۱. اصل قرارداد زندگی و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و بیان مفصل آن و ذکر سیره حضرت زهرا علیها السلام و اهل بیت علیهم السلام ذیل آن (همان: ۳۷/۱)؛
۲. داشتن روشی در مقابل برخی سیره‌نویسان چون اربلی در کشف الغمّة که فقط از باب تبرک به سیره نبوی پرداخته است؛
۳. ذکر معجزات پیامبر چون شق القمر و اخبار غیبی و بیان این مطلب که قرآن اولین و مفصل‌ترین معجزه ایشان است (همان: ۸۴/۱)؛
۴. بیان دسیسه‌چینی برخی اصحاب به منظور ترور پیامبر صلی الله علیه و آله به نقل از کتاب دلائل النبوة ابوبکر بیهقی (متوفای ۴۵۸ ه.ق.) (همان: ۲۴۵/۱)؛
۵. تقاضای پیامبر برای حضور امام علی علیه السلام در روزهای آخر عمر و تلاش عایشه و حفصه برای اطلاع‌دادن به پدرانشان (همان: ۲۶۷/۱)؛
۶. بیان گزارش‌ها به اختصار؛
۷. ذکر نکردن تمام اسناد؛
۸. استفاده از منابع اهل سنت و داشتن روشی اعتدالی در ذکر گزارش‌ها؛

۹. تحریک نکردن مخالفان و طعنه و اعتراض به آنان؛
۱۰. بیان نکردن مسائل اختلافی در بین شیعه و سنی و نیز سکوت درباره سقیفه و خارج دانستن موضوع از بحث کتاب (همان: ۲۷۱/۱)؛
۱۱. ذکر اعتراض ابوسفیان به نقل/ارشاد شیخ مفید (همان: ۲۷۱/۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۹۰/۱)؛
۱۲. نگارش برای مخاطب عام و دوری از مباحثات کلامی و استدلالی مغلق.

۲.۲.۳. الثاقب فی المناقب اثر ابن حمزه طوسی

الثاقب فی المناقب تألیف ابوجعفر محمد بن علی طوسی (قرن ششم)، مشهور به ابن حمزه است. الوسيلة الی نیل الفضیلة با موضوع فقه، و الثاقب فی المناقب با موضوع معجزات اهل بیت علیهم السلام دو کتاب برجای مانده از ابن حمزه هستند. الثاقب فی المناقب ۱۵ باب دارد و باب اولش در سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و معجزات ایشان در ۱۵ فصل نگاهشته شده است. در الثاقب ۱۱۱ روایت با موضوع معجزات و آیات رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع آوری شده و بر اساس موضوعاتی مانند معجزات مربوط به آب، غذا، جمادات، شفای بیماران و ... ، دسته‌بندی شده است (جمعی از محققان، بی‌تا). باب دوم به معجزات دیگر انبیا علیهم السلام، که امامان شیعه علیهم السلام مشابهش را آورده‌اند، پرداخته است (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۹۰۴/۳). باب‌های دیگر معجزات حضرت فاطمه علیها السلام و ائمه علیهم السلام را بیان کرده است. نگارنده در مقدمه، هدفش از نگارش کتاب را توصیف و ویژگی‌های ائمه اطهار علیهم السلام بیان کرده است. لذا در این کتاب به مباحث تاریخی نپرداخته، بلکه فقط کرامات و مناقب ایشان را مطرح کرده است (جمعی از محققان، بی‌تا).

این کتاب جزء آثار دلایل‌نگاری دسته‌بندی شده و نویسنده از منابع شیعه و اهل سنت استفاده کرده است. ابن حمزه اذعان دارد که با تکیه بر کتاب‌های پیشین و گردآوری بهترین و دلنشین‌ترین مطالب آنها، اثر خود را تنظیم کرده است (طوسی، ۱۴۱۹: ۳۶). برخی از منابعی که مؤلف به آنها رجوع کرده و به تصریح نام می‌برد، چنین است: ۱. *بستان الکرام* اثر ابن شاذان قمی؛ ۲. *مفاخر الرضا* از حاکم نیشابوری؛ ۳. *فضائل البتول* نوشته ابوموسی؛ ۴. *سیر الأئمة* تألیف مولینی؛ ۵. *حلیة الاولیاء* اثر ابونعیم اصفهانی (همان: ۳۲۸، ۴۸۳، ۴۹۶، ۵۵، ۱۴۹، ۳۵۴). از این آثار فقط *حلیة الاولیاء* باقی مانده و بقیه، هیچ کدام، در دسترس نیست.

۲. ۲. ۳. ۱. خصوصیات سیره‌نویسی الثاقب فی المناقب

۱. سبک وی در بیان تاریخ و زندگی پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام اعجازی است. این روش قبل از این کتاب در تألیفات اهل سنت با عنوان *دلائل النبوة* ذکر شده است؛
۲. سیره و زندگی رسول‌الله ﷺ از میان معجزات و کرامات بررسی شده است؛
۳. این کتاب در میان آثار شیعه، برای اولین بار، معجزات پیامبر را به شکلی موضوعی در دسته‌های خاص فهرست کرده است؛
۴. شاخص بودن حضور امام علی (علیه السلام) در معجزات رسول خدا و ارتباط برخی از این معجزات با ایشان (جمعی از محققان، بی‌تا)؛
۵. ذکر نکردن سند برای گزارش‌ها و اکتفا به بیان نام راوی اصلی و نیابردن سلسله راویان به صورت کامل.

از منظر پژوهشگران، کتاب *الثاقب* اثری جریان‌ساز در موضوع زندگی و تاریخ امامان شیعه است و بر تألیفات پس از خود تأثیرات بسزایی گذاشته و منبعی معتبر برای مؤلفان دیگر به حساب می‌آید.

۲. ۲. ۴. الخرائج والجرائح اثر قطب راوندی

الخرائج والجرائح را مشهورترین اثر قطب‌الدین سعید بن عبدالله، مشهور به قطب راوندی (متوفای ۵۷۳ ه.ق.)، دانسته‌اند. پژوهش‌های قطب راوندی درباره سیره پیامبر اسلام ﷺ درخور اعتنا است. وی آثار متعددی تألیف کرده که عبارت‌اند از: ۱. *الخرائج والجرائح*؛ ۲. *قصص الانبياء*؛ ۳. *موازة معجزات نبينا و اوصيائه و معجزات الانبياء المتقدمين*؛ ۴. *مكارم اخلاق النبي والائمة*؛ ۵. *القاب الرسول و فاطمة والائمة*. در این کتاب معجزات و کرامات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار (علیهم السلام) جمع‌آوری و دسته‌بندی شده است. در مقدمه کتاب خاطرنشان شده که برخی معجزه را برای انبیا می‌پذیرند، ولی آن را در شأن امامان انکار می‌کنند. لذا این تفکر موجب شده است نویسنده به تألیف اثری همراه با گردآوری معجزات ائمه اقدام کند. مطالب کتاب با بیان و شرح معجزات رسول‌الله ﷺ آغاز می‌شود و به تفصیل از آن سخن می‌گوید و آن را مقدمه‌ای برای ذکر معجزات ائمه قرار می‌دهد. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هدف اصلی این کتاب ذکر سیره و معجزات پیامبر نبوده، بلکه اثبات معجزه

برای ائمه بوده و بدین‌منظور در باب جداگانه‌ای معجزات هر یک از امامان را آورده است. معجزات پیامبر نیز به صورت دسته‌بندی نقل شده است. این کتاب روایات عامه را مقدم کرده و ۱۳۴ روایت و معجزه از کتب اهل سنت بیان می‌کند، که زمینه پذیرش آن را فراهم کرده است. در نتیجه، ۲۶۰ معجزه در این کتاب به اثبات رسیده است.

اثر دیگر قطب راوندی *قصص الانبیاء* است. باب آخر این اثر، شرح تاریخ و حوادث زندگی پیامبر ﷺ است. انگیزه مؤلف در نگارش آن بیان ارزش‌های اخلاقی و عبرت‌آموزی در خلال قصه‌های انبیا بوده است. در جلد دوم این کتاب دلایل نبوت پیامبر ﷺ بررسی شده است (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۳۰). همچنین، معجزات و امور خارق‌العاده مربوط به پیامبر را گردآوری کرده و تاریخ زندگی ایشان را نگاشته است (همان: ۲۲۷/۲).

دلایل نبوت و معجزات ایشان با استناد به کتاب *النبوة* شیخ صدوق، که در دسترس نیست، بیان شده است. وقایع در بخش دیگر و به سبک تاریخی نگاشته شده و فاقد اسناد و مدارک است. این بخش کتاب نیز متأثر از کتاب *اعلام الوری* اثر طبرسی است و سبک نگارش، تغییر منابع را نشان می‌دهد. در پایان کتاب، از اوصیای پیامبر و امام علی علیه السلام و فرزندان ایشان سخن می‌گوید و روایت رد الشمس و سخن گفتن امام با شتر را بیان می‌کند (همان: ۱۸۵/۲-۱۹۴).

وی رساله کوچکی نیز با عنوان *القاب الرسول و عترته* تألیف کرده که شامل ذکر القاب رسول خدا ﷺ و روایات مربوط به آن و همچنین یادکرد القاب ائمه علیهم السلام است (همو، ۱۳۷۷: ۲۶-۳۱).

۲.۲.۴. ۱. خصوصیات سیره‌نویسی الخرائج والجرائح

۱. تاریخ و سیره و زندگی پیامبر و ائمه علیهم السلام در یک مجموعه آورده شده و این دو همراه با هم و ضمیمه یکدیگر بیان شده است؛

۲. نشان‌دادن معجزات و کرامات در اولویت است و اهمیت ویژه دارد؛

۳. رویکرد اثر دلایل‌نگاری است و نگارنده کوشیده است هر آنچه در منابع

گوناگون، درباره معجزات رسول خدا ﷺ است، گرد آورد؛

۴. با بررسی کتاب‌های پیامبران گذشته نمونه‌هایی را که جنبه‌های اعجازی پیامبر را

تقویت می‌کند، گرد آورده است؛

۵. استفاده از روش دلایل‌نگاری اهل سنت در نگارش کتاب؛
۶. بررسی و توصیف اخلاق نبوی و تعالیم ایشان و اهل بیت (علیهم‌السلام)؛
۷. ریزموضوعاتی مانند القاب پیامبر و مقایسه با انبیای گذشته در این کتاب ذکر شده و رساله‌های موضوعی مستقلی مرتبط با این موضوع تدوین شده است؛
۸. منابع و اسناد گزارش‌ها در این کتاب مشخص نشده است. در روایات عامه کاملاً به سند توجه نشده؛ در روایات شیعه نیز قسمت ناقصی از سند یا همان راوی اصلی ذکر شده است.

۲.۲.۵. الاحتجاج اثر طبرسی

ابومنصور احمد بن علی طبرسی (قرن ششم) نویسنده کتاب *احتجاج* است. وی از مشایخ این شهر آشوب بوده است. لذا می‌توان تاریخ حیاتش را اواسط قرن ششم دانست. ابن شهر آشوب در کتاب خود، *معالم العلماء*، از این کتاب و دیگر آثار وی نام می‌برد (ابن شهر آشوب، بی‌تاب: ۲۵).

اختلافات مذهبی در دوران طبرسی چشمگیر بود. به همین دلیل عده‌ای از علما وارد شدن به عرصه‌های بحث و جدل را مصلحت نمی‌دانستند. اما طبرسی در برابر این دیدگاه کتاب *احتجاج* را نگاشت و معتقد بود نهی ائمه (علیهم‌السلام) متوجه کسانی است که توانایی تبیین دقیق دین را ندارند، اما اشخاصی که قدرت تبیین مسائل دینی و مقابله با دشمنان را دارند باید این وظیفه را انجام دهند (طبرسی، ۱۴۱۳: ۳/۱).

کتاب *احتجاج*، علاوه بر محاجه با مخالفان، سخنان پیامبر برای روشن شدن برخی موضوعات را نیز شامل می‌شود؛ از جمله می‌توان سخنان پیامبر در روز غدیر را یکی از احتجاجات رسول خدا به شمار آورد. طبرسی این کتاب را به صورت طبقه‌بندی نگاشته و پس از موضوع احتجاج در قرآن و بیان احتجاج پیامبران، از احتجاجات پیامبر اسلام و ائمه سخن گفته است. محاجه پیامبر با مشرکان، یهودیان، مسیحیان، دهریان، ثنویان و دیگر گروه‌ها در این اثر بیان شده است. همچنین، مواضع پیامبر (علیهم‌السلام) در برابر مخالفان و اتمام حجت ایشان با اصحاب در برخی موضوعات، بررسی و تبیین شده است.

به‌علاوه، از مسائلی در سیره پیامبر سخن گفته که به نحوی به امام علی (علیهم‌السلام) ارتباط دارد، وقایعی چون اقدامات منافقان در نبرد تبوک، حدیث منزلت (همان: ۱۱۷/۱)، واقعه غدیر و

خطبه آن حضرت (همان: ۱۳۸/۱). ذکر نام و معرفی امامان در ادامه آمده است (همان: ۱۶۷/۱). در پایان این بخش، قسمتی از حوادث و رخداد‌های پس از درگذشت پیامبر ﷺ و محاجه مستحقان خلافت و کسانی که استحقاق این منصب را نداشته‌اند، ذکر شده و درباره اقدامات مخالفان سقیفه به تفصیل گزارش‌هایی آمده است (همان: ۱۷۱/۱).

۲. ۲. ۵. ۱. خصوصیات سیره‌نویسی الاحتجاج

۱. سند روایات به تصریح طبرسی ذکر نشده و فقط راوی اصلی نام برده شده است. دلیل آن، مسائلی چون اجماعی و عقلانی بودن و نیز شهرت مطالب نقل شده بین مخالف و موافق ذکر شده است (همان: ۴/۱)؛

۲. روایات کتاب/احتجاج از روایات مرسل است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸/۱)؛

۳. بیشتر مطالب نقل شده در بخش احتجاج‌های رسول خدا ﷺ، از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ﷺ برداشت شده است. فقط در این بخش، مؤلف استنادش به این کتاب را نقل می‌کند؛

۴. نظر توطئه داشتن به وقایع و رویدادهای صدر اسلام و دوران حیات رسول‌الله ﷺ، به دلیل شبیه‌بودن دیدگاه طبرسی با سلیم بن قیس هلالی؛ لذا طبرسی از کتاب هلالی استفاده کرده و مطالبی را از آن نقل کرده است (طبرسی، ۱۴۱۳: ۲۰۳/۱)؛

۵. توطئه برخی اصحاب علیه رسول خدا ﷺ و مقابله آنها با امام علی ﷺ برجسته شده است.

۲. ۲. ۶. مناقب ابن شهر آشوب

محمد بن علی بن شهر آشوب سروی (متوفای ۵۸۸ ه.ق.) کتاب مناقب آل ابی طالب ﷺ را با موضوع شرح حال رسول خدا ﷺ و ائمه ﷺ نگاشته است. بخش در خور توجهی از کتاب به دوران پیامبر اختصاص یافته است. در مقدمه کتاب تصریح شده است که هدف اصلی از نگارش این کتاب استیفای حقوقی از ائمه است که عامه آن را رعایت نکرده‌اند و نتیجه آن اهمیت‌ندادن شایسته به جایگاه ایشان بوده است. در همین مقدمه ابن شهر آشوب این بی‌توجهی نامناسب را آسیب‌شناسی می‌کند (جمعی از محققان، بی‌تا).

در این کتاب از منابع اهل سنت استفاده بسیار شده و طرق نگارنده برای دسترسی به روایات و آرای ایشان از جمله کتاب‌های صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن دارقطنی، موطا و آثاری از ابوحنیفه، شافعی، احمد بن حنبل، ابویعلی و دیگر بزرگان اهل سنت بوده است. وی در مجموع سندها به ۱۲۱ منبع اهل سنت اشاره می‌کند. کتاب با شرح زندگی رسول خدا ﷺ آغاز می‌شود. پس از آن زندگی ائمه را شرح می‌دهد و در نهایت با یادکردی از تاریخ صحابه و تابعین، به پایان می‌رسد. بخش اخیر در چاپ‌های موجود مفقود است. بخش مربوط به رسول خدا به صورت موضوعی تدوین شده است؛ غزوات در یک باب، معجزات در باب دیگر و تحولات تاریخی با ثبت تاریخ، در باب دیگری سامان داده شده‌اند. وی درباره کرامات و معجزات پیامبر ﷺ مطالبی را به تفصیل نقل و دسته‌بندی کرده است. آداب رفتاری و حتی مزاح‌های ایشان محل توجه مؤلف بوده و گردآوری شده است.

۲.۲.۶. ۱. خصوصیات سیره‌نویسی مناقب آل ابی طالب

- دسته‌بندی موضوعی و به‌کاربردن نوآوری در طبقه‌بندی مطالب؛
- نقل آرا و اخبار با ذکر نام نویسندگان؛ کلبی و ابن اسحاق از جمله کسانی هستند که نامشان بارها ذکر شده است. کتاب‌های شرف المصطفی تألیف خرگوشی، مغازی اثر واقدی و تاریخ طبری از دیگر منابعی است که ابن شهر آشوب استفاده کرده و بارها به آنها استناد شده است (ابن شهر آشوب، بی‌تا الف: ۸۱-۱۰)؛
- در ابتدای کتاب، طرق نگارنده به منابع اهل سنت و شیعه بیان شده و در متن کتاب از آوردن سند کامل اجتناب شده است؛
- تصریح ابن شهر آشوب به اینکه سندها به دلیل شهرتشان حذف شده‌اند و صرفاً از راوی اصلی یا کتابی که گزارش را از آن نقل کرده است نام می‌برد تا خبر از مرسل بودن خارج شود؛
- زندگی پیامبر با تأکید به معجزات ایشان بررسی شده و معجزات و خوارق عادت ایشان جمع‌آوری شده است؛
- موضوع‌بندی معجزات و امور خارق‌العاده از قبیل معجزات قولی، معجزات فعلی عملی، معجزات مربوط به ذات، استجابات دعا، صحبت با جمادات و حیوانات،

تکثیر خوراکی‌ها، هواتف و معجزات دیگر. بشارت و وعده به ولادت و نبوت ایشان نیز در این بخش اضافه شده است (همان: ۳۲/۱)؛

۷. فصل مستقلی به مقایسه تطبیقی میان معجزات پیامبر و انبیای دیگر اختصاص یافته و در تمام مطالب برتری پیامبر ذکر شده است؛

۸. ذکر گزارش‌های تاریخی از دوران حیات پیامبر و نقش مهم ابوطالب در این دوران؛

۹. ذکر منابع فریقین در نقش امام علی (علیه السلام) در دوران زندگانی پیامبر؛

۱۰. نام‌بردن از ائمه جماعتی که پیامبر آنان را مقدم می‌داشت. امام علی (علیه السلام) را نام برده و نامی از ابوبکر نیاورده است (همان: ۱۶۳/۱)؛

۱۱. بهره‌بردن از روایات امامان معصوم، مانند روایات امام صادق (علیه السلام) در بیان سیره نبوی (همان: ۱۶۱/۱)؛

۱۲. استفاده از تألیفات علمای شیعه در نقل سیره نبوی؛

۱۳. در اموری نیز متأثر از اهل سنت است، مانند آشفته‌گی پیامبر هنگام دریافت اولین وحی، مراجعه به ورقه بن نوفل برای کسب اطمینان (همان: ۴۴/۱) و پیش‌گویی پیامبر در نام‌بردن از مختار با عنوان «کذاب ثقیف» (همان: ۱۴۱/۱).

۳. تنمه

باید به این نکته نیز اشاره کنیم که نویسندگان شیعه دیگری نیز در قرن ششم درباره سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آثاری نگاشته‌اند که هیچ‌کدام از آنها به ما نرسیده، ولی در برخی منابع از آنها یاد شده است. برخی از این نویسندگان و تألیفاتشان چنین است:

۱. حسن بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ حسکا و ملقب به شمس‌الاسلام، شاگرد شیخ طوسی که کتابی با عنوان *سیر الانبیاء والائمة* نگاشته است (ابن‌بابویه قمی (رازی)، ۱۳۶۶: ۴۷)؛

۲. ابوالقاسم زید بن اسحاق جعفری از شاگردان شیخ حسکا، که کتاب‌هایی با عنوان *المغازی والسیر* نوشته است (همان: ۶۶).

نتیجه

باید سیره‌نویسی قرن ششم را تحولی در روش و نوع نگارش سیره‌نویسی شیعیان دانست. در این قرن، پس از دوره طولانی سیره‌نویسی به شکل مستقل از سیره پیامبر، شیعیان^۱ تاریخ و سیره نبوی را به همراه سیره و تاریخ امامان شیعه نگاشته‌اند. سیره پیامبر در این آثار با دیدگاه‌های گوناگونی نگارش یافته اما یکی از مهم‌ترین اهداف برقراری خط اتصال و ارتباط مفهومی میان دوران پیامبر و اهل بیت و تداوم‌بخشی به همان سیره پیامبر در سیره اهل بیت بوده است. در این روش سیره و حیات پیامبر و اهل بیت در هم تنیده و ریشه‌های زندگی پیامبر در سیره ائمه نمود پیدا کرده است. در واقع، اثبات می‌کنند که سیره پیامبر ص راهی بوده است که با حیات اهل بیت علیهم‌السلام به کمال می‌رسد و ثمر می‌دهد.

سبک نگارش این دوره را باید دلایلی و اعجازی دانست. همچنین، رویکرد احتجاجی در پرداختن به سیره نبوی رشد کرد و مؤلفان شیعه نگارش سیره پیامبر را به عنوان راهی برای شرکت در رقابت‌های مذهبی آغاز کردند. از دیگر ویژگی‌های این دوره در آمیختگی دوره زندگی امام علی علیه‌السلام با حیات پیامبر است. در آنها به روایاتی که پیامبر پیگیر مسئله وصایت است پرداخته شده و تعیین و تثبیت وصی جزء دغدغه‌های ایشان است.

همچنین، اعلام ولایت امام علی علیه‌السلام نمود آشکاری در رسالت پیامبر ص دارد و در سراسر گزارش سیره ایشان بارز می‌شود. حضرت علی علیه‌السلام از لحاظ علمی میراث‌دار پیامبر بوده و تمام علوم نبوی به ایشان منتقل شده است.

به صورت کلی می‌توان گفت دغدغه اصلی مؤلفان شیعه در این دوره در نگارش سیره نبی ص، نمودارکردن ارتباط میان دوران پیامبر و بحث امامت و تاریخ دوران زندگی و سیره علی علیه‌السلام و فرزندان و جانشینان ایشان بوده است، نه بیان سیره و تاریخ دوران پیامبر.

پی‌نوشت‌ها

۱. ابان بن تغلب (متوفای ۱۴۱ ه.ق.); ابو مخنف (متوفای ۱۵۷ ه.ق.); عبدالله بن میمون بن اسود قداح (حدود ۱۸۰ ه.ق.); ابان بن عثمان احمر (حدود ۱۷۰ ه.ق.); ابن‌ابی عمیر (متوفای ۲۱۷ ه.ق.); هارون بن مسلم بن سعدان (حدود ۲۷۵ ه.ق.); علی بن حسن بن فضال (متوفای بعد از ۲۷۰ ه.ق.); احمد برقی (متوفای ۲۷۴ یا ۲۸۰ ه.ق.).
۲. این مقاله دو ترجمه به فارسی دارد؛ بار اول در مجله هفت آسمان، محمدحسن محمدی مظفر آن را ترجمه کرده و بار دیگر در کتاب زندگی‌نامه حضرت محمد؛ بررسی منابع، محمدتقی اکبری آن را به فارسی برگردانده است.

منابع

- ابن بابویه قمی (رازی)، علی بن عبیدالله بن حسن (۱۳۶۶). *الفهرست*، محقق: جلال‌الدین محدث، قم: کتاب‌خانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی‌تا الف). *المناقب*، قم: علامه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی‌تا ب). *معالم العلماء*، تحقیق: محمد صادق آل بحر العلوم، بیروت: دار الاضواء.
- ابن فتال نیشابوری، محمد بن حسن (۱۳۸۱). *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، تحقیق: غلام‌حسین مجیدی و مجتبی فرجی، قم: دلیل ما.
- باقری، رؤیا (۱۳۹۴). «روش سیره‌نویسی اربلی در کشف الغمّة»، در: *نامه جامعه*، ش ۱۱۴، ص ۷-۲۸.
- بخشی، منصوره (۱۳۹۳). *تاریخ‌نگاران امامیه*، قم: جامعه الزهراء.
- جرار، ماهر (۱۳۸۵). «سیره اهل الکساء: نخستین منابع شیعی در باره زندگی‌نامه پیامبر»، ترجمه: محمدحسن محمدی مظفر، در: *هفت آسمان*، ش ۳۲، ص ۱۹۷-۲۳۸.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۳). *منابع تاریخ اسلام*، تهران: نشر علم.
- جمعی از محققان (بی‌تا). *نقش شیعیان در شاخه‌های تاریخ‌نگاری*، با نظارت: نعمت‌الله صفری فروشانی، اشراف: ناصر مکارم شیرازی، کنگره بین‌المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی، قم: امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) ج ۱.
- حسین‌زاده شانچی، حسن (۱۳۸۱). «سیره نبوی در بحار الانوار»، در: *تاریخ اسلام*، ش ۱۱، ص ۵-۲۴.
- حسینیان مقدم، حسین؛ منتظر القائم، اصغر؛ چلونگر، محمدعلی (۱۳۹۲). «اصحاب امامان شیعه و سیره‌نگاری»، در: *شیعه‌شناسی*، ش ۴۲، ص ۷-۴۲.

منابع و ویژگی های سیره نگاری شیعیان در قرن ششم / ۲۰۳

- حکیم‌زاده، فرزانه (۱۳۹۴). «سیره‌نگاری در کتاب الخرائج والجرائح»، در: نامه جامعه، ش ۱۱۴، ص ۱۱۱-۱۲۸.
- ذاکری، علی‌اکبر (۱۳۸۶). «دوره‌های سیره‌نگاری نبوی در حوزه‌های شیعی»، در: نشریه حوزه، س ۲۴، ش ۱۳۹-۱۴۰، ص ۲۴۱-۳۰۴.
- شاکری حسین‌آباد، صدیقه (۱۳۹۴). «بررسی سیره نبوی در کتاب مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب»، در: نامه جامعه، ش ۱۱۴، ص ۷۸-۵۷.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۱۳). الاحتجاج، تحقیق: ابراهیم بهادری، قم: اسوه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷). اعلام الوری، قم: مؤسسه آل‌البتیت، ج ۱.
- طوسی، ابن حمزه (۱۴۱۹). الثاقب فی المناقب، تحقیق: رضا علوان، قم: انصاریان.
- قطب‌الدین راوندی، سعید بن عبد الله (۱۴۰۹). الخرائج والجرائح، قم: مؤسسه الامام المهدی، ج ۳.
- قطب‌الدین راوندی، سعید بن عبد الله (۱۴۳۰). قصص الانبیاء، تحقیق: عبد الحلیم عوض الحلی، قم: مکتبه العلامة المجلسی، ج ۲.
- قطب‌الدین راوندی، سعید بن عبد الله (۱۳۷۷). القاب الرسول و عترته، تصحیح: سید علی‌رضا سید کباری، در: میراث حدیث شیعه، دفتر اول، به کوشش: مهدی مهریزی، قم: دار الحدیث.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر القمی، تحقیق: سید طیب جزائری، قم: مؤسسه دار‌الکتاب، ج ۱.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ج ۱.
- مجیدی‌نسب، نرگس (۱۳۸۷). «تاریخ‌نگاری شیعه در کتاب رجال نجاشی»، در: نامه تاریخ‌پژوهان، ش ۱۶، ص ۱۱۷-۱۷۰.
- مرادی‌نسب، حسین (۱۳۹۴). «یونس بن بکیر از پیش‌گامان شیعه در سیره‌نگاری»، در: مطالعات تاریخ اسلام، ش ۲۴، ص ۱۷۱-۱۸۶.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: مؤسسه آل‌البتیت ع.
- هدایت‌پناه، محمدرضا (۱۳۹۲). «شیعه پیش‌گام در سیره‌نگاری: جایگاه جابر بن عبد الله انصاری در سیره‌نگاری»، در: مطالعات تاریخ اسلام، ش ۱۹، ص ۲۰۵-۲۳۵.

References

- A Group of Researchers. n.d. *Naghsh Shi'ayan dar Shakhehay Tarikhnegari (The Role of Shiites in the Branches of Historiography)*, Supervised by Ne'matollah Safari Forushani, Eshraf: Naser Makarem Shirazi, International Congress on the Role of Shiites in the Creation and Development of Islamic Sciences, Qom: Imam Ali ibn Abi Taleb (AS), vol. 1. [in Farsi]
- Bagheri, Roya. 2016. "Rawesh Sirehnewisi Erbeli dar Kashf al-Ghommah (Erbil's Biographical Method in the Book Kashf al-Ghommah)". In: *The Letter of Jameah*, no. 114, pp. 7-28.[in Farsi]
- Bakhshi, Mansureh. 2015. *Tarikhnegaran Emamiyeh (Imami Historians)*, Qom: Jameah al-Zahra. [in Farsi]
- Ghotb al-Din Rawandi, Sa'id ibn Abdollah. 1989. *Al-Kharaej wa al-Jaraeh*, Qom: Imam al-Mahdi Institute, vol. 3. [in Arabic]
- Ghotb al-Din Rawandi, Sa'id ibn Abdollah. 1999. *Alghab al-Rasul wa Etrateh (The Titles of the Messenger and His Family)*, Edited by Seyyed Ali Reza Seyyed Kebari. In: *Heritage of Shiite Hadith*, First Book, by Mehdi Mehrizi, Qom: Dar Al-Hadith.
- Ghotb al-Din Rawandi, Sa'id ibn Abdollah. 2009. *Ghesas al-Anbiya (Stories of the Prophets)*, Researched Abd al-Halim Ewaz al-Heli, Qom: Library of Allamah Majlesi, vol. 2. [in Arabic]
- Hakimzadeh, Farzaneh. 2016. "Sirehnegari dar Ketab al-Kharaej wa al-Jaraeh". In: *The Letter of Jameah*, no. 114, pp. 111-128. [in Farsi]
- Hedayat Panah, Mohammad Reza. 2014. "Shiah Pishgam dar Sirenegari: Jaygah Jaber ibn Abdollah Ansari dar Sirehnegari (Shiite Pioneers in Biography: The Position of Jaber bin Abdollah Ansari in Biography)". In: *Studies in the History of Islam*, vol. 19, pp. 205-235. [in Farsi]
- Hoseyniyan Moghaddam, Hoseyn; Montazar al-Ghaem, Asghar; Chelungar, Mohammad Ali. 2014. "Ashab Emaman Shiah wa Sirenegari (Companions of Shiite Imams and Biography). In: *Shiite Studies*, vol. 42, pp. 7-42.
- Hoseynzadeh Shanehchi, Hasan. 2003. "Sireh Nabawi dar Behar al-Anwar (The Prophet's Biography in the Oceans of Lights)". In: *The History of Islam*, no. 11, pp. 5-24. [in Farsi]
- Ibn Babawayh Qommi (Razi), Ali ibn Obeydollah ibn Hasan. 1988. *Al-Fehrest*,

- Researched by Jalal al-Din Mohaddeth, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Public Library. [in Arabic]
- Ibn Fattal Neyshaburi, Mohammad ibn Hasan. 2003. *Rozah al-Wa'ezin wa Basirah al-Mote'azzin*, Researched by Gholam Hoseyn Majidi & Mojtaba Faraji, Qom: Dalil Ma.
- Ibn Shahr Ashub, Mohammad ibn Ali. n.d. a. *Al-Managheb (The Virtues)*, Qom: Allamah. [in Arabic]
- Ibn Shahr Ashub, Mohammad ibn Ali. n.d. b. *Ma'alem al-Olama (Landmarks of Scholars)*, Researched by Mohammad Sadegh Al Bahr al-Olum, Beirut: Dar al-Azwa. [in Arabic]
- Jafariyan, Rasul. 2015. *Manabe' Tarikh Eslam (Resources of Islamic History)*, Tehran: Science Publication. [in Farsi]
- Jarrar, Maher. 2007. "Sirah Ahl al-Kasa: Nokhostin Manabe' Shi'i Darbareh Zendegi Nameh Payambar (The Biography of the People of Cloak: The First Shiite Resources about the Biography of the Prophet)", Translated by Mohammad Hasan Mohammadi Mozaffar. In: *Seven Heavens*, no. 32, pp. 197-238. [in Farsi]
- Majidi Nasab, Narges. 2009. "Tarikhnegari Shiah dar Ketab Rejal Najashi (Shiite Historiography in the Book of Rijal Najashi)". In: *The Letter of Historians*, no. 16, pp. 117-170. [in Farsi]
- Majlesi, Mohammad Bagher ibn Mohammad Taghi. 1983. *Behar al-Anwar (The Oceans of Lights)*, Beirut: Al-Wafa Institute, vol. 1. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad ibn No'man. 1992. *Al-Ershad fi Ma'refah Hojajollah ala al-Ebad (Guidance in the Knowledge of the Representatives of God over the People)*, Qom: Al al-Bayt Institute. [in Arabic]
- Moradi Nasab, Hoseyn. 2016. "Yunos ibn Bokayr az Pishgaman Shiah dar Sirehnegari (Yunos ibn Bokayr as One of the Pioneers of Shiite in Biography)". In: *Studies of the History of Islam*, no. 24, pp. 171-186. [in Farsi]
- Qomi, Ali ibn Ebrahim. 1989. *Tafsir al-Qomi*, Researched by Seyyed Tayyeb Jazaeri, Qom: Dar al-Ketab Institute, vol.1. [in Arabic]
- Shakeri Hoseynabad, Seddigheh. 2016. "Barresi Sireh Nabawi dar Ketab Managheb Al Abi Taleb Ibn Shahr Ashub (A Study of the Prophet's Biography in the Book

- Managheb Al-Abi Talib by Ibn Shahr Ashub)". In: *The Letter of Jameah*, no. 114, pp. 57-78. [in Farsi]
- Tabarsi, Ahmad ibn Ali. 1992. *Al-Ehtejaj*, Researched by Ibrahim Bahadori, Qom: Osweh. [in Farsi]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1996. *A'lam al-Wara*, Qom: Al al-Bayt Institute, vol. 1. [in Arabic]
- Tusi, Ibn Hamzah. 1998. *Al-Thagheb fi al-Managheb (Piercing in Virtues)*, Researched by Reza Alwan, Qom: Ansariyan. [in Arabic]
- Zakeri, Ali Akbar. 2008. "Dorehay Sireh Negari Nabawi dar Hozehay Shi'i (Courses of the Prophet's Biography in Shiite Seminaries)". In: *Journal of Hawzah*, yr. 24, no. 139-140, pp. 241-304. [in Farsi]